

Basics of General Soleimani's personality

Abstract

School is a comprehensive and coherent plan that guides mankind towards its perfection and goal with the worldview it gives and the instructions it provides. Islam is a school. The school of Islam is the theory of the victory of humanity over animality, science over ignorance, justice over oppression, equality over discrimination, virtue over vice, piety over disobedience, and monotheism over polytheism. Dear Islamic Revolution, with such a worldview, it is a comprehensive and realistic school. In this article, we discuss the basics of the individual personality of the martyred Sardar Hajj Qassem Soleimani. If we want to explain the character of Martyr Soleimani, we can at least list a hundred characteristics for him; From sincerity, devotion, humility, God-centeredness, stewardship, courage, attention to the people and the families of the martyrs, to the connection with the Quran and love for martyrdom, avoiding the world and avoiding self-centeredness. And also the dimensions of Haj Qasim's character from the perspective of verses and traditions, the spirit of seeking martyrdom, the bravest people, the protector of the province, avoiding ghor and titles, the limits of Sharia and night worship, the loyalty of the Ahl al-Bayt, defending the oppressed, examining the condition of relatives, studying and walking in the past. , and also about the Qur'anic characteristics, the spirit of jihad, courage, anti-enmity and trust in God. And also about the political life, provincialism, interaction and emotions, arrogance. And it was also said about revolutionism, being revolutionary and remaining revolutionary from the perspective of the Supreme Leader. Indeed, martyr Soleimani was distinguished in all these areas.

This article is based on analytical-documentary method and descriptive-analytical data processing method and using library documents and subsidy systems.

Islamic sciences software tries to address the most important characteristics of Shahid Soleimani's personality in all fields.

Key words: General Soleimani, governorship, revolution and revolutionaryism.

مبانی شخصیت فردی سردار سلیمانی

چکیده

مکتب، یک طرح جامع و منسجم است که با جهان بینی‌ای که می‌دهد و با دستورالعمل‌هایی که ارائه می‌کند، بشر را به طرف کمال و هدفش راهنمایی می‌کند. اسلام، یک مکتب است. مکتب اسلام، تئوری پیروزی انسانیت بر حیوانیت، علم بر جهل، عدالت بر ظلم، مساوات بر تبعیض، فضیلت بر رذیلت، تقوا بر بی‌بندبازی، و توحید بر شرک است. انقلاب اسلامی عزیز، با چنین جهان بینی‌ای، مکتب است جامع و واقع‌گرا. ما در این مقاله به مبانی شخصیت فردی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی می‌پردازیم. اگر بخواهیم شخصیت شهید سلیمانی را تبیین کنیم، حداقل می‌توانیم صد ویژگی برای ایشان برشماریم؛ از اخلاص، تعبد، تواضع، خدامحوری، ولایت‌مداری، شجاعت، توجه به مردم و خانواده‌ی شهدا تا انس با قرآن و عشق به شهادت و دنیاگریزی و دوری از خودمحوری. و همچنین ابعاد شخصیت حاج قاسم را از منظر آیات و روایات، روحیه شهادت‌طلبی، شجاع‌ترین مردم، حامی ولایت، دوری از غور و عناوین، حدود شرعی و عبادت شبانه، مودت اهل بیت، دفاع از مظلوم، بررسی احوال نزدیکان، مطالعه و سیر در احوال گذشته، و همچنین در مورد ویژگی‌های قرآنی، روحیه جهاد، شجاعت، دشمن شناسی و دشمن ستیزی و توکل به خدا. و همچنین در مورد سیره سیاسی، ولایت‌مداری، اهل تعامل و عواطف، استکبارستیزی. و همچنین در مورد انقلابی‌گری، انقلابی‌بودن و انقلابی‌ماندن از دیدگاه مقام معظم رهبری گفته شد. حقیقتاً در همه‌ی این محورها شهید سلیمانی ممتاز بود. این مقاله با روش تحلیلی- اسنادی و با روش داده‌پردازی توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از اسناد کتابخانه‌ای و سامانه‌های پارانه‌ای نرم افزارهای علوم اسلامی می‌کوشد تا به مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیت فردی شهید سلیمانی در همه‌ی زمینه‌ها بپردازد.

کلید واژگان: شهید قاسم سلیمانی، ولایت‌مداری، انقلاب و انقلابی‌گری.

1- مقدمه

زندگی انسان‌های بزرگ از آنجایی آغاز می‌شود که به عالم ملکوت ایمان داشته و خدا را در زندگی اصل قرار داده و با سیرو سلوک عملی به لقاءالله دست یافته‌اند. در طول تاریخ همواره انسان‌های بزرگی وجود داشتند، که به اهداف خود معتقد بودند و به هیچ روی از اصول الهی و انسانی خویش، دست بر نداشتند و حتی جان بر سر آن نهادند. در تاریخ امروز باید از سردار سلیمانی به عنوان یک شخصیت مافوق مجاهدت یاد نمود. در تاریخ باید قرن‌ها بگذرد تا شخصیتی مثل ایشان متولد و در دل‌ها حکومت کند، وی بیش از آنکه فرمانده نظامی باشد فرمانده دل‌ها بود و در دل‌ها نفوذ می‌کرد و به خاطر تأثیر نفس و انفاس قدسی حضرتش، شخصیت وی در خارج از مرز و در میان مستضعفان جهان یک چهره شاخص و محبوب تلقی می‌گردد و همه این‌ها جز روح پاک و انفاس قدسی و لطف الهی نمی‌تواند باشد.

هرگاه انسان از مدار فردی خویش خارج گردد و سعه وجودی او آنقدر گسترش یابد که بر نفوس انسان‌ها تأثیری قابل توجه در مسیر کمال بگذارد او در واقع تبدیل به یک مکتب شده است. آن‌گاه که منظومه‌ای منسجم و جامع و متشکل از اجزای یک شخصیت رشدیافته در ابعاد مختلف و زمینه‌های گوناگون شکل می‌گیرد او به‌عنوان یک مکتب و یک الگو و یک مکتب درس‌آموز رُخ مینماید.

مقام معظم رهبری (حفظه‌الله)، که شناختی همه جانبه از شهید سلیمانی دارند، در بیاناتشان، پس از شهادت شهید سلیمانی فرمودند: «ما به حاج قاسم سلیمانی شهید عزیز و به ابومهدی شهید عزیز به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به آنها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم، آن وقت اهمیت این قضیه روشن خواهد شد. قد و قیمت این قضیه روشن خواهد شد.» (رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه‌الله)، خطبه‌های نماز جمعه، 1399/27/10) ما در این مقاله سعی کردیم به بررسی مبانی شخصیت فردی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بپردازیم. اگر بخواهیم شخصیت شهید سلیمانی را تبیین کنیم، حداقل می‌توانیم صد ویژگی برای ایشان برشماریم: از اخلاص، تعبد، تواضع، خدامحوری، ولایت‌مداری، شجاعت، توجه به خدا، خانواده شهدا تا انس با قرآن و عشق به شهادت و دنیاگریزی و دوری از خودمحوری. و همچنین ابعاد شخصیت حاج قاسم را از منظر آیات و روایات، روحیه شهادت‌طلبی، شجاع‌ترین مردم، حامی ولایت، دوری از غور و عناوین، حدود شرعی و عبادت شبانه، مودت اهل‌بیت، دفاع از مظلوم، بررسی احوال نزدیکان، مطالعه و سیر در احوال گذشته، و همچنین در مورد ویژگی‌های قرآنی، روحیه جهاد، شجاعت، دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی و توکل به خدا. و همچنین در مورد سیره سیاسی، ولایت‌مداری، اهل تعامل و عواطف، استکبارستیزی. و همچنین در مورد انقلابی‌گری، انقلابی‌بودن و انقلابی‌ماندن از دیدگاه مقام معظم رهبری گفته شد. حقیقتاً در همه‌ی این محورها شهید سلیمانی ممتاز بود.

این مقاله با روش تحلیلی- اسنادی و با روش داده‌پردازی توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از اسناد کتابخانه‌ای و سامانه‌های یارانه‌ای نرم افزارهای علوم اسلامی می‌کوشد تا به مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیت فردی شهید سلیمانی در همه‌ی زمینه‌ها بپردازد.

2- ویژگی‌های شخصیت فردی شهید سلیمانی

1-2- اخلاص؛ مجاهدت برای گمنامی

اولین ویژگی بسیار مهم اخلاص ایشان بود، هر کس به دنبال نشان دادن خودش نباشد و به دنبال نشان دادن خدا باشد، خدا متکفل این می‌شود که او را روی آنتن ببرد، و او را الگو کند. با بیش از سی و چهار، پنج سال آشنایی، شهادت می‌دهم حاج قاسم مجاهدت می‌کرد برای گمنامی نه خودنمایی. مجاهدت می‌کرد برای گمنامی. اخلاص حاج قاسم یعنی که در حرکات و سکنات و صحنه‌های زندگی اصلاً خودش را نمی‌دید و این کار خیلی سختی است. اصلاً به دنبال معرفی خودش نبود. همیشه به دنبال این بود که خدا را نشان بدهد.

2-2- سرباز ولایت

حاج قاسم نه به ظاهر بلکه به صورت واقعی سرباز ولایت بود. ولایت محوری دو بُعد بزرگ دارد:

1. درک صحیح از ولایت و اینکه باور داشته باشد که آنچه ولی می‌گوید حکم الله است.

2. در اطاعت از ولایت. او اشارات و اطاعت از منویات و خواسته‌های حضرت آقا (حفظه‌الله) را فهمید. اطاعت از ولایت، این اطاعت عقلانی است، بعضی‌ها فکر نکنند که فرمانبری از ولایت حاج قاسم اطاعت کورکورانه است. بلکه بر قوی‌ترین عقلانیت استوار است، همان عقلانیتی که می‌گوید، در برابر خدا تعبد داشته باشید، در مقابل ولی خدا هم تعبد داشته باشید. این ولایت‌مداری حاج قاسم خیلی کارساز است. او با ولایت‌مداری توانست کارهای بزرگی انجام بدهد.

2-3- جامعیت ابعاد

حاج قاسم تربیت شده مکتبی است، که انسان‌های یک بُعدی را کامل نمی‌دانند، می‌گوید، که عالم محض، عابد محض، سیاستمدار محض کامل نیستند. حاج قاسم تجسم انسانی بود که نه معنویتش او را از سیاستش باز می‌داشت و نه سیاستش او را از اخلاق و تقوا. شاید یک سال قبل در یک جلسهای در خدمت ایشان نشسته بودم، دیدم خیلی ناراحت به نظر می‌رسد، گفتم، «حاج قاسم چه شده؟» گفت: «غصه می‌خورم که ما چرا باید در سیاست، اخلاق یادمان برود.» می‌گفت: «مگر این تقوا و اخلاق برای کجا است؟ چرا وقتی وارد سیاست می‌شویم، یادمان می‌رود، که اهل تقوا باشیم. چرا وقتی وارد تقوا می‌شویم، سیاست یادمان می‌رود.»

حاج قاسم در میدان جنگ مجاهدی بی‌نظیر بود. در میدان ناله، آن‌هایی که دیده‌اند می‌دانند یک عابد و ناله‌کننده بی‌نظیر بود. نماز شب خواندن‌های او، گریه‌های او، زیارت‌های او و روح لطیف او، حاج قاسم در در برابر تنایاهو و ترامپ می‌گوید: «من برای شما بس هستم.» اما در برابر بچه یتیم و بچه شهید چگونه است. افتخار می‌کند، که او را روی دوش خودش سوار می‌کند.

2-4- حریت و آزادگی

ویژگی قابل توجه مقام حاج قاسم دل بردن از زخارف دنیایی بود. حاج قاسم به این رسیده بود، که دنیا را به استخدام در بیاورد، و نه به استخدام دنیا درآید، دنیای حاج قاسم آباد بود، همان دنیائی که حکم مزرعه داشت.

حاج قاسم به حقیقت آزادی دست یافته بود یعنی آزادی از قید و بندهای دنیوی. از نظر او آزادی این بود، که هیچ عامل دنیوی نتواند انسان را محدود کند.

2-5- قدرت تدبیر و منطق استوار

او یک فرمانده نظامی عملیاتی بود، که در دانشگاه علوم سیاسی تحصیل نکرده بود، اما رؤسای جمهور و شخصیت‌های بزرگ را متقاعد می‌کرد. چه کسی روسیه را با تفکری که آقای پوتین دارد و با شخصیتی که برای خودش قائل است و ترامپ را آدم حساب نمی‌کند، متقاعد کرد تا این چنین در سوریه بیاید و نقش‌آفرینی کند. چه کسی این کار را می‌کند، با کدام استدلال و منطق؟ چه عاملی سبب می‌شد، که شخصیت بزرگ ریاست جمهوری‌ها آرزوی دیدار حاج قاسم را داشته باشند؟ آمریکایی‌ها می‌گویند، دشمن حاج قاسم هستیم، اما در برابر منطق او متواضعیم.

2-6- مردم‌داری و عشق به مردم

حاج قاسم یک چیزی را در مکتب اسلام یاد گرفته بود، که خوب است همه یاد بگیریم. خدا و مردم را مقابل هم نمی‌دید، باور داشت، که برجسته‌ترین عبادتی که انسان را به خدا نزدیک می‌کند، خدمت به مردم است. حاج قاسم به معنی واقعی و نه شعاری و تعارف دغدغه مردم را داشت. دلواپس و عاشق مردم بود. حاج قاسم خدمت به بندگان خدا را قوی‌ترین ابزار تقرب به خدا می‌دید و عمرش را برای این کار هزینه می‌کرد. فشارهایی که مردم می‌بینند خیلی او را رنج می‌داد، مخصوصاً که معتقد بود که این فشارها قابل اصلاح است. غصه می‌خورد که چرا بعضی از مدیران و مسئولین یا نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند این مشکلات را رفع کنند. هر جا که می‌توانست وارد می‌شد. یک‌بار به او عرض کردم، حاج قاسم شما نسبت به بعضی از مدیران این همه تواضع نشان می‌دهید، چرا این کار را می‌کنید، این سزاوار نیست. گفت: «من برای رفع مشکلات مردم دست هر کسی را می‌بوسم.» حاج قاسم یک تکیه کلامی داشت، که می‌گفت: «دست شما را می‌بوسم.» من به ایشان گفتم: «بعضی از افراد شایستگی این را ندارند، که شما این جمله را به ایشان بگویید.» گفت: «برای مردم دست هر کسی را می‌بوسم.» و می‌گفت: «اگر دست بوسی من سبب شود، که مسئولین به این مردم خدمت کنند، باکی از این کار ندارم.»

2-7- تکلیف‌گرایی

حاج قاسم باکی نداشت و تکلیف را انجام می‌داد، حالا نتیجه هر چه می‌خواهد بشود. باور داشتند، که انسان وقتی در مسیر تکلیف قرار بگیرد، بهترین نتیجه‌ها را خدا می‌دهد نه اینکه حاج قاسم به نتیجه توجه نداشت، بلکه می‌گفت، تکلیف با من است و نتیجه با خدا. و خدا عالی‌ترین نتیجه را هم به او داد. ولایت راه دستیابی به تکلیف است. حاج قاسم تقوی را در عمل به تکلیف، وظیفه شرعی خود می‌دید.

8-2- استقامت فکری و عملی

هرگز در زندگی حاج قاسم نسبت به گذشته پشیمانی و شک نمی بینید و او هیچ جا گرفتار تردید نشد و در فکر و عمل استقامت داشت.

9-2- جهان‌نگری

ویژگی دیگر حاج قاسم نگرش جهانی و دید وسیع ایشان بود. من شهادت می‌دهم، حاج قاسم فقط به مسلمانان فکر نمی‌کرد به نجات بشریت می‌اندیشید. حاج قاسم حتی تمایل به کشتن سربازان دشمن نداشت. حاج قاسم غصه می‌خورد، که باید داعشی فریب خورده مزدور استکبار را بکشد. می‌گفت: «چرا دشمن توانسته از شما مسلمانان خوار بسازد.» هر جا مظلومی بود، احساس تکلیف می‌کرد، که یاور او باشد. و هر جا ظالمی بود، احساس می‌کرد، باید حضور داشته باشد.

او مصداق آیات فراوانی از قرآن بود. اگر روزی بخواهیم، حاج قاسم را معرفی کنیم، به نظرم باید او را در آیات قرآن جستجو کنیم، مانند اَشِدَّاءَ عَلٰی الْکُفَّارِ. (سوره فتح، آیه 29)

3- توصیف ابعاد شخصیت حاج قاسم از منظر آیات و روایات

1-3- روحیه شهادت‌طلبی

شهید حاج قاسم سلیمانی بخش زیادی از زندگی خود را در جبهه‌های حق علیه باطل گذراند. چرا که کلام مولا امیرالمومنین علی (علیه‌السلام) را خوب می‌دانست: «قسم به کسی که جان فرزند ابيطالب در دست اوست، هزار ضربه شمشیر بر من آسان‌تر از مرگ در بستر است. (بحارالانوار جلد 97 ص 40 حدیث 44)، همان‌طور که علی (علیه‌السلام) در پایان عهدنامه خود به مالک‌اشتر نوشت: «من از خدا به گشایش رحمت و بزرگی قدرتش (بر آنکه هر چه بخواهد عطا می‌کند) می‌خواهم که پایان زندگی من و تو را به نیک‌بختی و شهادت قرار دهد.» (نهج‌البلاغه نامه 52)، شهید حاج قاسم نیز بعد از خواندن کتاب وقتی مهتاب گم شد، (حسام، حمید، خاطرات شهید علی خوش لفظ از جنگ ایران و عراق نشر ایران، 1394)، در ابتدای کتاب برای راوی آن نوشت: «... در حالی‌که در آرزوی وصل یکی از صدها شیر دیروز له له می‌زنم و به درد چه کنم؟ دچار شده‌ام، امروز این درد همه‌ی وجودم را فرا گرفته، تنهای تنهایم.» و او نیز از خداوند بهترین مرگ یعنی شهادت را طلب کرد. هر چند در دوران زندگی نیز لقب شهید زنده را از طرف رهبر انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله) دریافت کرده بود. (به نقل از باشگاه خبرنگاران جوان 21/3/96)

2-3- شجاع‌ترین مردم

شجاعت از نظر شدت و ضعف، دارای مراتبی است و هر مرتبه‌ای به نوبه‌ی خود دارای درجات شدت و ضعف می‌باشد. (به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله مطهری) اولین مرتبه‌ی شجاعت چیرگی بر دشمن در میدان جنگ است. خداوند به این مرتبه چنین اشاره کرده است: «به درستی‌که خدا او را بر شما برگزید و در دانش و توانایی او را افزونی بخشید. (سوره بقره، آیه 247) شهید قاسم سلیمانی نیز به گفته تمامی هم‌زمانش در دفاع مقدس و عملیات‌هایی که در برابر داعش در عراق، سوریه و طالبان در افغانستان داشت، پیروز میدان بود و از این رو دوست‌دارانش به او لقب آنتی‌تروریست دادند. (باشگاه خبرنگاران 31/3/96) دومین مرتبه شجاعت، چیره‌پسیدن بر نفس اماره و هوای نفس است. چنان‌که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: «أَشَجَّ النَّاسُ مِنْ غَلَبِ هَوَاهُ» (شیخ صدوق، معانی‌الآخبار، جلد 1، ص 516) یعنی شجاع‌ترین مردم کسی است که بر هوای نفسش غلبه پیدا کند. در این مرتبه نیز حاج قاسم در عمل نشان داد از شجاع‌ترین مردان است؛ چون هیچ‌گاه لباس رزمش را در نیارود و به جای میزنشینی سنگرنشینی را انتخاب کرد. از پُست و مقام و دنیا گذشت. حتی در مواقعی که اوضاع زندگی‌اش رو به راه نبود، حق مأموریت نگرفت.

3-3- حامی ولایت

حاج قاسم بسیار سفارش می‌کرد که حامی ولایت فقیه و مطیع امر رهبری باشید. او خودش نیز عامل به این صحبت بود. آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله) درباره پیرو ولایت بودن این شهید عزیز در جمع مردم قم فرمودند: «به شدت انقلابی و پایبند به خط نورانی و مبارک امام (قد سره شریف) بود. انقلاب و انقلابی‌گری، خط قرمز جدی او بود. حاج قاسم واقعاً ذوب در

انقلاب بود.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم قم 18/10/98) با ایراد این بیانات می‌توان دلیل اینکه حاج قاسم مالک اشتر لقب گرفت، را به خوبی فهمید. حضرت علی (علیه السلام) پس از شهادت مالک اشتر فرمودند: «خداوند مالک را رحمت کند، او برای من همان گونه بود، که من برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بودم. (به نقل از پایگاه اطلاع رسانی حوزه) مالک پس از کشته شدن عثمان، در خلافت امیرالمؤمنان (علیه السلام) بسیار تلاش کرد و با حضرت بیعت نمود و از سرداران بزرگ سپاه حضرت گردید. (به نقل از پایگاه اطلاع رسانی حوزه) شاعر اردستانی چه زیبا در وصف این ویژگی او می‌گوید: «سپهبدی که دلش مملو از شجاعت بود، نماد مردی و تندیس استقامت بود، مجاهدی که کمر بسته فی سبیل الله، همواره جان به کف و عاشق ولایت بود.» (بیک، محمد، شاعر معاصر اردستان)

3-4- دوری از غرور و عناوین

غرور مایه شکست در زندگی و سبب عقب افتادگی است. یک لشکر مغرور به سادگی جنگ را می‌بازد. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «کسی که جاهل باشد مغرور می‌شود و امروز او از دیروزش بدتر است. این حدیث دلیلی برای پیروزی‌های مکرر حاج قاسم در میدان جنگ است؛ دوری از کبر و غرور یکی از بُعدهای جدانشدنی شخصیت حاج قاسم بود. او با وجود گرفتن نشان فتح درجه دو، دوبار؛ فتح درجه یک و نشان عالی ذوالفقار (زندگی‌نامه سردار قاسم سلیمانی به نقل از ویکی شیعه) بالاترین نشان نظامی ایران بعد از انقلاب اسلامی، خود را سرباز صفر ولایت می‌داند و به همسرش وصیت می‌کند، روی قبر من بنویسید، سرباز ولایت. این یعنی نه در زندگی و حیات مادی و نه حتی بعد از مرگ گرد چیزی که باعث غرور و عنوان شود نمی‌گردد. خودش در تقریظ کتاب برادر قاسم این را تأکید کرد. «این لباسی که اکنون در تن من است، همان لباس دیروز است، تنها بدون محاسن سفید که در قامت یک فرد بیست و یک ساله بدون هیچ لقب و پسوندی به جز برادر! من باز همان برادر قاسم دیروز هستم.» (مهروان‌فر، ابوزر)

3-5- حدود شرعی و عبادت شبانه

اولین تصاویری که از آن ترور ناجوانمردانه پخش شد و دل همه را به درد آورد، جسم تکه تکه شده‌ی حاج قاسم بود. اما تنها از جسم خاکبش دست مانده بود و انگشت. اما راز این دست و انگشت چیزی نبود، جز استمرار و تداوم به عبادت شبانه و اقامه‌ی نماز شب (به نقل از پاشگاه خبرنگاران جوان، گفت‌وگو با یوسف افضلی) حاج قاسم همیشه مراقب حدود الهی بود. آیت الله خامنه‌ای (حفظه الله) در سخنرانی هجدهم دی ماه، در جمع مردم قم به این مورد اشاره کردند. «مراقبت از حدود شرعی را در همه‌ی شرایط حتی در میدان جنگ رعایت می‌کرد. تا به هیچ کس ظلم و تعدی نشود.» چیزهایی با بدن گرانقدرش به خاک سپرده شد، همه نشان از ولایت و عبادت داشت. انگشتی که با آن نماز شب می‌خواند، عبا‌ی نماز شب رهبری، تربت کربلا، پرچم گنبد حرم امام حسین (علیه السلام) و امضای چند شاهد مبنی بر اینکه حاج قاسم انسان خوبی بوده، از جمله رهبر انقلاب، سید حسن نصرالله، عماد مغنیه و ...

3-6- مودت اهل بیت

یکی دیگر از ابعاد شخصیتی شهید حاج قاسم سلیمانی مودت به اهل بیت و قدم برداشتن در راه خدا بود. همان دو چیزی که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از مسلمانان می‌خواهند. در قرآن کریم آمده است: «بگو، من هیچ پاداشی از شما در رسالتم درخواست نمی‌کنم، جز دوست داشتن نزدیکانم "اهل بیتم"». (سوره شوری، آیه 23)، همچنین آمده است: «بگو من در برابر آن (ابلاغ آیین خدا) هیچ گونه پاداشی از شما نمی‌طلبم؛ مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند.» (سوره فرقان، آیه 57)، شهید عزیز حاج قاسم هر دو حق را ادا کرد؛ با دفاع از حریم حرم این حق را ادا کرد. کمتر کسی را می‌توان دید، که نام مدافعان حرم را بشنود و به یاد سردار سلیمانی نیفتد. اما این تنها یک بُعد قضیه است و بیشتر افراد از کار بزرگی که حاج قاسم در راه مودت اهل بیت (علیه السلام) انجام داد، بی‌خبرند. سپهبد شهید سردار قاسم سلیمانی اولین پایه‌گذار ستاد بازسازی عتبات عالیات برای توسعه، ترمیم و بازسازی حرم‌های مطهر ائمه (علیه السلام) بود.

3-7- اهل بصیرت

بصیرت در لغت به معنای ثبات در دین، حجت، علم، زیرکی و گواه است. (علی اکبر دهخدا، لغتنامه ج 1، ص 124)، و در اصطلاح، روشنایی و نور خاصی است، که در نتیجه‌ی طلب روشنایی

از چراغ وحی و امام که مقدمه‌ی چراغ بصیرت در عمق وجود انسانند، حاصل می‌شود. (محمدی ری شهری، محمد، مبانی شناخت، (409 = 417)، اشخاص فاقد بصیرت، فاقد حیات انسانی هستند؛ چون اندیشه‌ی آنان در تاریکی است و حقیقت را نمی‌بینند و به همین دلیل راه رشد و سعادت را هم نمی‌شناسند. ارزش و اعتبار انسان وابسته به نوع بینش اوست. (پرتال جامع علوم انسانی، بصیرت در کلام امام علی (علیه السلام)، فاطمه مظفری)، حاج قاسم سلیمانی با دریافت نشان ذوالفقار که به پاس تدابیر و بصیرت ایشان در طرح‌ریزی و هدایت عملیات‌های رزمی بی‌شمار بود و نتایج مطلوبی را به بار آورد. بصیرتش را در عمل به اثبات رساند. یکی از نشانه‌های اهل بصیرت تقوا و یاد خداست. خصلتی که همواره با حاج قاسم همراه بود. تاکید به دستورات دین و نگاهی دقیق بر رعایت دستورات دینی در بسیاری از مقاطع زندگی ایشان دیده می‌شد. همچنین او همیشه در حال ذکر دیده می‌شد و بر رعایت دستورات دینی در هر حال همت می‌گماشت. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «ای بندگان خدا بدانید که تقوا، دژی محکم و شکست‌ناپذیر است.» (نهج البلاغه، ترجمه، دشتی، محمد، خطبه 157، ص 292)

3-8- دفاع از مظلوم و مقاومت

حاج قاسم هر جا صدای مظلومی را می‌شنید، که مورد ظلم واقع شده است، برای یاریش می‌شتافت، برایش فرقی نمی‌کرد، افغانستان باشد یا سوریه، لبنان باشد یا عراق. فقط برایش عمل به سیره نبوی مهم بود و می‌شد، مصداق عملی حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که فرمودند: «هرکس صدای مظلومی را بشنود که از مسلمانان کمک می‌طلبد و به کمک او نشتابد مسلمان نیست.» (سوره فرقان، آیه 57) دفاع از مظلوم و مقاومت پیشه‌اش شد. هیچ کس یادش نمی‌رود، زمانی که بعد از شهادت محسن حججی گفت: «تا سه ماه آینده سفره‌ی داعش از روی زمین برچیده خواهد شد.» این مهم با لطف الهی محقق شد. و او را علمدار مقاومت در منطقه کرد. البته باید به این نکته اشاره کرد که کمک‌های حاج قاسم به هم‌نوعانش فقط در خارج از مرزهای کشور خلاصه نمی‌شد. او در سیل جنوب، شمال و زلزله کرمانشاه نشان داد، چقدر هوای هم‌وطنانش را هم دارد؛ همان موقع که پس از پیاده روی اربعین به همه‌ی موکب‌داران دستور داد، برای کمک به زلزله‌زدگان از مرز ایران و عراق به سمت کرمانشاه حرکت کنند.

3-9- بررسی و احوالات نزدیکان

یکی دیگر از خصوصیات حاج قاسم بررسی و زیر نظر داشتن احوال نزدیکان و بستگانش بود. مانند مولا و مقتدای خود که مرتب به امور والیان و فرمانداران خود رسیدگی می‌کرد. حضرت علی (علیه السلام) در نامه‌ای به فرماندار بصره درباره سادگی زیستی می‌فرماید: «فکر نمی‌کردم مهمان شدن به سفره قومی را قبول کنی، که محتاجشان را به جفا می‌رانند و توانگرشان را به مهمانی می‌خوانند، به لقمه‌ای که بر آن دندان می‌گذاری دقت کن، لقمه‌ای را که حلال و حرامش بر تو روشن نیست بیرون افکن و آنچه را می‌دانی از راه حلال به دست آمده بخور.» (الکافی، کلینی، ج 2، ص 164) سهراب سلیمانی درباره زیر نظر داشتن احوال نزدیکان توسط برادرش حاج قاسم قبل از شهادتش می‌گوید: «خیلی وقت نمی‌کند، به خانواده برسد، اما بسیار آدم عاطفی است و حتی تا زمانی که نسبت به مسایل زندگی من اطمینان پیدا نکرد، مرا رها نکرد، مدام من را کنترل می‌کرد، چون من در سازمان زندان‌ها کار می‌کردم و یا زندانیان در ارتباط بودم، حتی اگر یک موتور می‌خریدم، تا اطمینان پیدا نمی‌کرد، که چگونه آن را تهیه کرده‌ام، راحت نمی‌شد، شاید به نوعی تمام زندگی اطرافیان ما را زیر نظر داشت، تا خدای ناکرده به راه کج و آلوده کشیده نشویم.» (سوره شوری، آیه 23)

3-10 مطالعه و سیر در آثار گذشته

مطالعه سرگذشت اقوام پیشین دارای آثار فراوانی است. حضرت علی (علیه السلام) در وصیت خود به فرزندش می‌فرماید: «فرزندم من هر چند عمر پیشینیان را یک جا نداشته‌ام ولی در اعمال آنها نظر افکندم و در اخیارشان اندیشه نمودم و در آثارشان به سیر و سیاحت پرداختم، آن چنان که گویی هم‌چون یکی از آنان شدم؛ بلکه گویی من به خاطر آن‌چه از تجربیات تاریخ آنها دریافته‌ام با اولین و آخرین آنها عمر کرده‌ام.» (نهج البلاغه، نامه 21) شهید قاسم سلیمانی نیز به تبعیت از کلام مولی همچون رهروی ثابت قدم این‌گونه عمل می‌کرد. او در متن تقریظ کتاب الغارات (ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم) یکی از قدیمی‌ترین کتب شیعه می‌نویسد: «این کتاب الغارات را که قدیمی‌ترین کتاب شیعه است بخوانید. حتماً بخوانید، مقتل کامل است. اگر آن را

بخوانید، امروز برای این حکومتی که در استمرار حکومت علی بن ابیطالب (علیه السلام) است، آگاهانه‌تر و بدون تعصبات فردی و حزبی نگاه می‌کنیم، نظر می‌دهیم و دفاع می‌کنیم. حاج قاسم همچنین به خواندن کتاب‌های جنگ علاقه داشت و با یادداشت‌هایی که بر آنها می‌نوشت باعث معرفی و رونق این آثار می‌شد. کتاب‌هایی هم چون من زنده‌ام به قلم معصومه آباد، آن بیست و سه نفر به قلم احمد یوسف‌زاده، وقتی مهتاب گم شد به قلم حمید حسام. (به قلم مفتاح - فهامی، منیره)

4- ویژگی‌های اخلاقی شهید حاج قاسم سلیمانی

سردار سلیمانی انسانی از دنیا بریده و آخرت‌گرا بود. حضور پیوسته او در میدان جهاد و شهادت نشان می‌داد، که وی از دنیا دل‌کنده بود و تعلقی به آن نداشت. حاج قاسم سلیمانی تنها به فکر امنیت و آرامش ملت خود نبود، بلکه مصالح امت اسلام و مستضعفان عالم را در نظر داشت و در همین مسیر نیز به شهادت رسید. شهید سلیمانی به معنای واقعی کلمه خدا ترس بود و همواره زندگی ساده را بر زندگی اشرافی ترجیح می‌داد و از زرق و برق دنیا دوری می‌کرد. قاسم سلیمانی روحیه فداکاری، ایثار و گذشت داشت، مجاهدی فداکار بود، که قلبش مملو از عشق و محبت هموعان و مستضعفان بود. او همه زندگی خود را وقف مردم کرده بود. شجاعت و بی باکی سردار سلیمانی در برابر قدرت‌های عالم زبان زد خاص و عام بود. وقتی وارد میدان نبرد با دشمن می‌شد، ذره‌ای ترس به خود راه نمی‌داد. سردار سلیمانی فردی خدا محور و مخلص بود. اخلاص و صداقت از جمله اکسیرهای این عالم است، که هر کس هر مقداری از آن به دست آورد، به همان اندازه بزرگ می‌شود. شهید سلیمانی دوست‌دار گروه خاصی نبود، بلکه، همه‌ی مردم را دوست داشت و سعی می‌کرد به همه احترام بگذارد و لبخند خود را به هر کس که در مقابلش قرار می‌گرفت هدیه می‌نمود. سردار سلیمانی مجاهدی شجاع بود، که در برابر مردم و به خصوص خانواده‌ی شهدا و مستضعفان متواضع و فروتن بود و این تواضع باعث محبوبیت روزافزون او شده بود. ایشان، برخلاف داشتن بالاترین مدیریت‌ها در حوزه‌ی نظامی، کوچکترین بهره‌برداری اجتماعی برای خود و نزدیکانش نکرد و از این موقعیت سوء استفاده ننمود. سردار سلیمانی شخصیتی دیندار، معنوی و اخلاق محور داشت. ارتباط معنوی با خداوند و اهمیت دادن به فرامین الهی یکی از رموز مهم موفقیت در زندگی او است. او ولایت‌پذیر بود و سربازی واقعی برای ولی فقیه و تمام اراده‌اش را با اراده‌ی ولی زمان خود هماهنگ کرده بود. وقتی در برابر رهبری قرار می‌گرفت، با تمام وجود احساس می‌کردیم، که یک سرباز واقعی ولایت را مشاهده می‌کنیم. او خادم اهل بیت (علیه السلام) بود و مقامی است که در این عالم نصیب هر کسی نمی‌شود. این خصوصیات همگی زمینه‌ساز علت اصلی محبوبیت حاج قاسم بود و هیچ کدام به تنهایی علت اصلی نیست. علت اصلی چیز دیگری است.

5- ویژگی‌های قرآنی حاج قاسم سلیمانی

بسیاری از ویژگی‌های قرآنی در وجود ارزشمند سردار عزیز و آسمانی ما حاج قاسم سلیمانی مشهود بود؛ چرا که او شاگرد مکتب قرآن و ولایت بود؛ به خاطر این بود، که حاج قاسم بایدها و نبایدهای قرآن را رعایت می‌کرد. یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های بارز حاج قاسم، برخورداری از روحیه جهاد بود، یعنی در حقیقت چون آیات قرآن بر جان و دل او نشسته بود. «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ»، (سوره توبه، آیه 73) کسی بود، که چهل سال پا در پوتین داشت، در حالی که بسیاری در خواب غفلت بودند.

از دیگر ویژگی‌های سردار شهید سلیمانی شجاعت او بود. هیچ هراسی از دشمنان در دل او وجود نداشت. «وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ». (سوره احزاب، آیه 39) وجود حاج قاسم درست طبق این آیه‌ی شریفه تعریف شده بود. ایشان در نهایت تواضع با مردم رفتار می‌کرد، اما در برابر استکبار هیچ هراسی نداشت.

دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی از دیگر ویژگی‌های سردار شهید سلیمانی بود، برخی افراد در شناخت نسبت به دشمن موفق نیستند و حتی برخی مواقع که دشمن را می‌شناسند، ولی ارداه‌ی مقابله با او را ندارند. حاج قاسم عزیز ما هر دو این ویژگی را داشت، چون انس با قرآن کریم در دل ایشان از اعماق وجود بود، در ارتباط با دشمنان اعتقاد داشت، که باید محکم ایستاد و مبارزه کرد.

حاج قاسم همیشه به دنبال کسب رضای الهی بود و هیچ اعتنایی به دشمنان نمی‌کرد. این ویژگی نیز الهام گرفته از کلام الله مجید بود.

ششمین ویژگی حاج قاسم، توکل به خدا بود، که با اتکال به خدا و بدون اعتنا به دشمنان مأموریت‌های خورا به خوبی انجام داد. این ویژگی سردار شهید سلیمانی برگرفته از آیه کریمه، «وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (سوره تغابن، آیه 13) بود، که در تمام صحنه‌ها نیز با توکل به خدا پیروز و سرفراز بود.

این فراز از قرآن کریم که می‌فرماید: «وَتَحَنَّنْ لَهُ مَخْلُصُونَ» (سوره بقره، آیه 139) از جمله فرازهایی است، که حاج قاسم جرئت داشت آن را بیان کند، چون فقط برای خدا کار می‌کرد. (برگرفته از مصاحبه خادم القرآن، سلیمی، عباس، پیشکسوت قرآنی کشور از رادیو قرآن)

6- سیره سیاسی سپهبد شهید قاسم سلیمانی

مجموع سال‌ها مجاهدت خالصانه و رفتارهای فرهنگی- سیاسی شهید سپهبد قاسم سلیمانی آن قدر بزرگ بوده که این روزها به حق باید از آن به عنوان مکتب سلیمانی نام برد و به تبیین آن پرداخت. در این میان یکی از ابعاد مهم رفتاری سپهبد سلیمانی سیره سیاسی این شهید بزرگوار است، که به بخشی از آن اشاره می‌شود.

1 - ولایت‌مداری هسته‌ی مرکزی مکتب سلیمانی است. آن قدر نمایان و شفاف است، که حتی نمی‌توان شبهه کوچکی به آن وارد نمود. تعابیر حاج قاسم سلیمانی درباره رهبر معظم انقلاب (حفظه الله)، اگر نگوییم منحصر به فرد ولی کم نظیر است. اساساً ادبیات حاج قاسم درباره رهبر معظم انقلاب (حفظه الله) ادبیاتی خاص، عاشقانه و کاملاً در دایره اعتقاد عمیق دینی به ولایت فقیه است. بررسی موشکافانه سیره و رفتار حاج قاسم در این سال‌ها نشان می‌دهد، که او سلیقه سیاسی خورا در عرض سلیقه رهبری مطرح نکرد، بلکه ارجاع او همراه به فرمایشات ایشان بود.

2- حاج قاسم در رفتارهای شخصی و اجتماعی خود اهل تعامل و عواطف بود. همین رفتار سبب شد، که بسیاری از چهره‌های اصلاح طلب و اعتدالیون نیز او را فردی نزدیک به خود ببینند. اما این اخلاق فردی و اجتماعی او، هیچگاه سبب نشد که نزدیکی او به برخی چهره‌ها، خلل کوچکی درباره ولایت‌مداری او ایجاد کند. اما جمع این دو موضوع چگونه ممکن شد؟! بخشی از نحوه رفتار و تعامل سردار سلیمانی با برخی اشخاص که شاید بسیاری از افراد انقلابی درباره آن‌ها ذهنیت منفی دارند، چگونه قابل تفسیر است؟!

3- ریشه اوّلیه این مسأله را باید در اخلاق فردی و عاطفی سردار سلیمانی جستجو کرد. اخلاق کریمانه همراه با محبت و مهربانی ایشان با افراد مختلف اعم از سیاسی و غیر سیاسی مسأله‌ای مشهور است. موضوعی که البته توصیه همه علمای اخلاق از جمله رهبر معظم انقلاب (حفظه الله) است. ایشان در دیدار برخی از افراد که چه بسا منتقد نظام و یا حتی نظریاتی خلاف انقلاب دارند، اخلاق کریمانه‌ای دارد.

4- مسأله بعدی درباره حاج قاسم سلیمانی جایگاه نظامی و امنیتی او است. ورود او به عرصه‌های سیاسی مانند بسیاری دیگر برای او مقدور و شرعی نبوده و به همین دلیل انتظار برخی مواضع ریز سیاسی علیه برخی چهره‌ها از وی نیز چندان انتظار صحیحی نبوده و نیست. اما همین چهره نظامی در بزنگاه‌هایی همچون فتنه 78 و 88 و همچنین درباره سیاست‌گذاری‌های کلان رهبر معظم انقلاب (حفظه الله)، مواضع سیاسی خود را بسیار شفاف بیان کرده است.

5- موضوع بعدی جایگاه رسمی او در عرصه حکمرانی جمهوری اسلامی بود. حاج قاسم سلیمانی فرمانده سازمانی بود، که هم در چارچوب نهادهای درون نظام بود و هم در مسایل منطقه‌ای و سیاست خارجه جمهوری اسلامی جایگاه ویژه‌ای داشت.

طبیعی است که بسیاری از اقدامات این نهاد در تعامل با نهادهای همچون مجلس، دولت، وزارت خارجه، قوه قضاییه و ... امکان تحقق داشته باشد. ریشه برخی از تعاملات حاج قاسم با برخی مدیران ارشد نظام قطعاً به تعاملات رسمی و تشکیلاتی بر می‌گردد و این موضوع نیز چیز عجیبی به شمار نمی‌آید.

6- بخش مهمی از روابط سردار سلیمانی و رهبر معظم انقلاب (حفظه الله)، در رابطه با برخی افراد در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که این رفتارهای کریمانه و دلسوزانه او ریشه در تلاش برای حفظ و صیانت از افراد برای ماندن در دایره انقلاب و جمهوری اسلامی دارد. رزمندگان

هرمزگانی، کرمانی و سیستانی و بلوچستانی می توانند، موارد زیادی را بیان کنند، که حاج قاسم سلیمانی چگونه برخی از رزمندگان لشکر 41 ثارالله را که بعد از سالهای جنگ دچار برخی ضعفهای اعتقادی در حوزه انقلاب و یا حتی مسایل مذهبی شده بودند، را برای حفظ و جلوگیری از آسیب رسیدن بیشترشان مدام مورد توجه و محبت قرار می داد.

7- اساساً هنر بزرگ سیاسی سردار سلیمانی این بود که علی رغم داشتن ارتباط شخصی و اخلاقی محبت آمیز با برخی چهره های سیاسی؛ این روابط نه تنها در مواضع انقلابی او خللی ایجاد نکرد، بلکه او آشکارا و در برابر مردم، بگونه ای رفتار کرد که افکار عمومی هیچگاه برداشت نکرد که او وابسته به یک جناح سیاسی در کشور است و یا کوچکترین مخالفتی با حاکمیت دارد.

8- اما مهم ترین تفاوت سیره سیاسی او با بسیاری از اصلاح طلبان، اعتدالیون و اصول گرایان محافظه کار، که در سالهای اخیر گفتگو با دنیای غرب به بخشی از محاسبات راهبردی آنها تبدیل شده بود. این بود، که حاج قاسم در تمام این مدت مستقیماً با آمریکا و عوامل غرب در حال جنگ بود. بی شک پس از ولایت مداری، برجسته ترین، ویژگی سیاسی او جهاد مستمر با آمریکا بود. این شاخص که حاج قاسم سلیمانی را از بسیاری از سیاسیونی که لبخند زنان و صمیمی عکس یادگاری با هم دارند، کاملاً متمایز کرده است. آری برخی از چهره های سیاسی شاید بتوانند به ظاهر مدعی رفاقت با حاج قاسم بشوند، ولی ادعای نزدیکی باطنی با او را نمی توانند به زبان بیاورند.

7- چرا "انقلابی گری" خط قرمز شهید سلیمانی بود؟

رهبر معظم انقلاب اسلامی (حفظه الله) در دیدار مردم قم در گرامی داشت، سالروز قیام نوزدهم دی، در تبیین برخی خصایص سپهبد شهید سلیمانی، "تقیدات شرعی"، "شجاعت"، "تدبیر"، "اخلاص"، "فراجناحی بودن"، "و انقلابی گری" را از جمله ویژگی های ایشان دانستند و فرمودند: «ویژگی مهم حاج قاسم این بود، که در مسائل داخلی اهل حزب و جناح و این گونه تقسیم بندی ها نبود، اما به شدت انقلابی و پایبند به خط نورانی و مبارک امام بود و انقلاب و انقلابی گری، خط قرمز جدی او بود. حاج قاسم واقعاً ذوب در انقلاب بود و برخی سعی نکنند، که این واقعیت ها را کم رنگ کنند.

6- پنج شاخص انقلابی گری، انقلابی بودن و انقلابی ماندن

(بیانات رهبر انقلاب به مناسبت بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (قد سره شریف)
16/3/1395)

6-1- پایبندی به مبانی و ارزش های اساسی اسلام و انقلاب

بنده در سال گذشته در همین جلسه راجع به مبانی امام (قد سره شریف) صحبت کردم، مبانی اساسی ما آنهاست ... اگر این پایبندی وجود داشت، حرکت، حرکت مستمر و مستقیم خواهد بود. در تندباد حوادث این حرکت تغییر پیدا نمی کند... نقطه ای مقابل این پایبندی عملگرایی افراطی است. یعنی هر روزی به یک طرف رفتن و هر حادثه ای انسان را به یک طرف کشاندن.

6-2- هدف گیری آرمان های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها

بعضی سعی می کنند جامعه و جوان های ما را دچار ناامیدی کنند. بگویند آقا فایده ندارد! نمی شود! نمی رسیم!... شاخص دوم این است که هرگز منصرف نشویم از رسیدن به آن اهداف بلند و آرمان های بلند و در مقابل فشارها تسلیم نشویم.

6-3- پایبندی به استقلال کشور

استقلال سیاسی معنایش این است که ما در زمینه ی سیاسی فریب دشمن نخوریم... استقلال فرهنگی که از همه مهم تر است در این است که سبک زندگی را اسلامی ایرانی قرار دهیم، و استقلال اقتصادی یعنی هضم نشدن در هاضمه اقتصاد جهانی.

6-4- حساسیت در برابر دشمن و نقشه های او و عدم تبعیت از آن

باید دشمن را شناخت، نقشه ی او را فهمید، از تبعیت دشمن سرباز زد؛ این شاخص چهارم، یعنی عدم تبعیت را قرآن، جهاد کبیر نامیده است.

6-5- تقوای دینی و سیاسی

اینکه ما عرض کردیم که باید به آرمان‌ها پایبند بود، اسلام این‌ها را از ما خواسته است. یک تکلیف دینی است و رعایت آن تقوای دینی است. تقوای سیاسی هم همراه همین است؛ تقوای سیاسی یعنی انسان از لغزشگاه‌هایی که دشمن می‌تواند از آن استفاده بکند پرهیز بکند.

7- نتیجه‌گیری

این ویژگی‌ها، همه حکایت از تهذیب نفس، تعادل روان، تعالی روح، همت بلند شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی داشت و رمز پیروزی و عاقبت بخیری او شد. او در مکتب خمینی کبیر (قد سره شریف)، تربیت یافت و در معیت و رکاب خامنه‌ای (حفظه الله)، خودش را ساخت و اوج گرفت. دشمن نیز از همین خصوصیات در اضطراب، نگرانی و تکاپو به سر می‌برد، والا توپ، تانک، تفنگ و بهیاد را دیگران هم داشتند و دارند.

هنر حاج قاسم سلیمانی این بود که به وحدت، همدلی و یکپارچگی امتش فکر می‌کرد و می‌خواست همه را علیه دشمن مشترک به صحنه بیاورد و سطح مقبولیت مردمی برای نظام را تقویت کند.

امروز که جوانان آستین کوتاه آن‌چنانی و دختران کم حجاب در سوگ وی می‌سوزند، می‌نالند و اشک می‌ریزند، علاقه برادران اهل سنت و هموطنان مسیحی، کلیمی و زرتشتی و یهودی به حالش غبطه می‌خورند و از استکبار و صهیونیست اعلام انزجار می‌کنند، برای دشمنان بسیار شکننده است، فلذا دشمنان باید حاج قاسم‌ها را از میان می‌برند و به خیال خود می‌کشتند، والا افرادی که از وجودشان تعفن، تفرقه به مشام می‌رسد، ناخواسته و با چند واسطه در خدمت دشمنان هستند و ستون پنجم به شمار می‌آیند، نه تنها نیازی به کشتن ندارند، بلکه باید تقویت هم بشوند.

امروز اگر استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی واقعی می‌خواهیم، باید به هنر حاج قاسم‌ها مجهز شویم، هر کسی سر جای خودش باید باشد؛ نظامی به جای خود و سیاسی هم به جای خود، در واقع به مکتب خمینی کبیر (قد سره شریف) باید برگردیم و در معیت مقام معظم رهبری (حفظه الله) دست به دست هم گره زنیم و امت واحد باشیم. تنها پیام شهادت این مرد مخلص «اخلاق و اتحاد» همه گروه‌ها و جناح‌هاست.

امروز حاج قاسم، دیگر فرمانده سپاه قدس نیست تا فقط الگوی نظامیان باشد، بلکه سبک زندگی برای همه به ویژه برای جوانان دانشگاهی و حوزوی در عرصه‌های؛ فردی، خانوادگی، سیاسی و اجتماعی است. امروز از هر حلقومی صدای تفرقه، تشنّت و ناامیدی به گوش می‌رسد، صدای دشمن برخلاف مسیر و سلوک سردار سلیمانی است.

نباید حاج قاسم را شخصیت دست‌یافتنی و قهرمان افسانه‌ای بدانیم؛ اگر چنین کنیم نقش الگویی او برای جوانان امروزه و نسل‌های آینده کمرنگ می‌شود. حاج قاسم مثل همه آدم‌های معمولی دیگر «زمینی بود، اما آسمانی شد» و راه آسمانی‌شدن برای همه ما باز است. اصلاً ما آمده‌ایم تا آسمانی شویم.

کلام آخر اینکه؛ مردی که قریب به 40 سال از عمرش را در جبهه‌های جنگ گذراند و از خاک‌ریزهای خوزستان تا کوچه‌های ملتهب بغداد، و جب به جب به دنبال برقراری استقلال، آزادی و امنیت بود و در پایان با شهادتی که همیشه آرزویش را داشت، درخشان‌ترین برگ زندگی‌اش را ورق زد.

8- منابع

- 1 . قرآن کریم .
- 2 . نهج البلاغه .
- 3 . سردار سرافراز، علی نژاد، محمد ، انتشارات محتشم، سال اوّل 1399 .
- 4 . هفته نامه حریم امام، صاحب امتیاز آستانه مقدس امام خمینی (قد سره شریف)، سال هشتم، شماره 407 .
- 5 . برادر قاسم، مهران فر، ابوذر، انتشارات مهر امیرالمومنین (علیه السلام)، 1397 .
- 6 . سرباز ولایت، کرامتی مشکنی، مرتضی، انتشارات قاف اندیشه ، 1398 .
- 7 . سردار دلها، گروه فرهنگی تقدیر، انتشارات تقدیر، 1398 .
- 8 . حاج قاسم، مزدآبادی، علی اکبر، انتشارات یا زهرا (سلام الله علیها)، 1394 .